



## نیوزویک: تحولات خاورمیانه پیروزی هژمونی ایران بر آمریکا است

یک روزنامه‌نگار آمریکایی در مقاله‌ای می‌نویسد: از نظر واشنگتن، درگیری‌های منطقه بخشی از نبرد بین هژمونی آمریکا و ایران در خاورمیانه است، که اگر چنین باشد، این آمریکاست که این نبرد را می‌بازد.

یک روزنامه‌نگار آمریکایی در مقاله‌ای می‌نویسد: از نظر واشنگتن، درگیری‌های منطقه بخشی از نبرد بین هژمونی آمریکا و ایران در خاورمیانه است، که اگر چنین باشد، این آمریکاست که این نبرد را می‌بازد.

به گزارش فارس به نقل از هفته‌نامه آمریکایی "نیوزویک"، "استفان کینزر" در جدیدترین مقاله خود، ضمن اشاره به کناره‌گیری سیاسی آمریکا در جریان ناآرامی‌های اخیر خاورمیانه، و این دیدگاه واشنگتن که تحولات اخیر در خاورمیانه را جنگ آمریکا و ایران برای رسیدن به سلطه سیاسی در منطقه می‌داند، شکست آمریکا را حتمی خواند و کناره‌گیری سیاست و راهبرد محکوم به شکست آمریکا در امور خاورمیانه را ضروری خواند.

در حالیکه روز به روز به ناآرامی‌های خاورمیانه افزوده می‌شود، آمریکا که توانایی هدایت تحولات منطقه‌ای را ندارد، تنها نظاره‌گر است و تنها به وجود هم‌پیمانان خود، که آنها نیز موضع راکدی در قبال تحولات خاورمیانه اتخاذ کرده‌اند، دل خوش کرده و در عین حال امیدوار است که از خشم عمومی مردم منطقه در امان بماند.

### \* آمریکا، بازنده جنگ سیاسی خاورمیانه

از نظر واشنگتن، درگیری‌های منطقه بخشی از نبرد بین هژمونی آمریکا و ایران در خاورمیانه است، که اگر چنین باشد، این آمریکاست که این نبرد را می‌بازد. زیرا آمریکا، سرسختانه به آن دسته از راهبردهای سیاسی در خاورمیانه متکی است که زمان شکل‌گیری آنها به زمان وقوع جنگ سرد مربوط می‌شود، درحالی‌که فضای امنیتی حاکم در خاورمیانه از زمان جنگ سرد تاکنون، به طور قابل توجهی تغییر کرده است.

با وجود موضع احمقانه‌ای که آمریکا به لحاظ سیاسی در قبال تحولات خاورمیانه اتخاذ کرده است، ایران تلاش می‌کند تا با اعمال نفوذ در منطقه، با جمعیت تظاهرکنندگان مصری، هم‌پیمان و متحد شود و در شرایطی که آمریکا دلش را به هم‌پیمانانی خوش کرده است که 30 یا 40 سال پیش، و نه در حال حاضر، صاحب قدرت بودند، ایران تلاش می‌کند بر روی حزب‌الله لبنان، حماس و احزاب شیعیان عراق، که برنده انتخابات بودند، سرمایه‌گذاری کند.

در سال 2006 میلادی و هم‌زمان با حمله اسرائیل به لبنان، حماس شکل گرفت و نه تنها به خاطر مقاومت در برابر اسرائیل که به دلیل داشتن حامیان ایرانی خود، تحسین جهان عرب را برانگیخت.

از طرفی نیروهای حامی ایران در عراق همواره توانستند دستاوردهای خوبی به دست بیاورند و در شرایطی که "مقتدا صدر" رهبر مذهبی شیعه عراق هم به کشور خود بازگشته است، نیروهای حامی ایران در عراق توانسته‌اند به طور کامل و مؤثر، کنترل دولت عراق را بر عهده بگیرند.

آمریکا با حمله سال 2003 میلادی به عراق و برکنار کردن "صدام حسین" از قدرت، کنترل این کشور را به دست ایران داد و در حال حاضر ایران در حال تکمیل موضع قدرتمند خود در بغداد است.

### \* آمریکا برای روی کارآمدن چه کسانی در خاورمیانه سرمایه‌گذاری می‌کند؟

کینزر با اشاره به سرمایه‌گذاری ایران بر روی حزب‌الله لبنان، حماس و احزاب شیعیان عراق، در مقاله خود، در جواب به این سؤال که در بحبوحه تظاهرات و ناآرامی‌های خاورمیانه، آمریکا برای روی کارآمدن چه کسی سرمایه‌گذاری می‌کند؟ با اشاره به رژیم فرعون‌های حنی مبارک رئیس‌جمهوری مصر، محمود عباس و مقامات فلسطینی او، حکومت سلطنتی عربستان سعودی، و سیاستمداران افراط‌گرای روبه رشد در اسرائیل، اینطور پاسخ داده است: همان دوستانی که آمریکا دهه‌ها است که روی آنها سرمایه‌گذاری کرده است.

با وجود فروپاشی نظام تحمیلی آمریکا در منطقه، جای تعجبی ندارد که قدرت ایران در خاورمیانه رو به رشد باشد. کینزر در مقاله خود، با اشاره به موضع آمریکا در خاورمیانه می‌نویسد: آمریکا، رئیس‌جمهور مصر را بر مسند قدرت حفظ می‌کند و سال گذشته به دلیل حمایت مبارک از سیاست‌های مدافعانه آمریکا از اسرائیل و کمک او به حفظ پایگاه‌های اسرائیل در غزه، به رژیم مبارک کمکی معادل 1.5 میلیارد دلار می‌کرد.

کینزر با اشاره به حمایت آمریکا از محمود عباس می‌نویسد: دلیل حمایت آمریکا از رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین این است که محمود عباس خواهان مصالحه و سازش با اسرائیل است و بنابراین، می‌تواند شریک مناسب و ایده‌آلی برای مذاکره به حساب آید. حمایت آمریکا از مبارک و محمود عباس ادامه دارد حتی با اینکه قدرتی که آنها در دست دارند، مشروعیت و وجه قانونی ندارد.

### \* تسلیحات اسرائیل تضمینی برای حفظ موقعیت امنیتی این رژیم در منطقه نیست

بر اساس آنچه کینزر در مقاله خود آورده است، یکی دیگر از راهبردهای غلط سیاسی آمریکا، صمیمیت با مقامات عربستان سعودی است که با وجود آگاهی مقامات آمریکایی از اسناد منتشر شده ویکی لیکس و معلوم شدن اینکه عربستان سعودی اصلی‌ترین سرمایه‌گذار عملیات گروه‌های جنگ‌طلب سنی مانند القاعده است، همچنان رابطه صمیمانه آمریکا با مقامات این کشور ادامه دارد و از طرف دیگر، اینکه رئیس‌جمهور تونس در پی سرنگونی دولت خود به عربستان پناه می‌برد نیز نشان‌دهنده حمایت عربستان از نظام و راهبرد قدیمی و فاسد سیاسی خود در خاورمیانه است.

کینزر در ادامه مقاله خود با اشاره به اینکه آشفتگی راهبرد سیاسی آمریکا به دلیل حمایت این کشور از منافع رژیم صهیونیستی است، می‌نویسد: دهه‌ها است که سیاست خارجی آمریکا از سوی نیروهای رژیم صهیونیستی و با توجه به منافع این رژیم، در دولت آمریکا تعیین می‌شود. دهه‌ها است که آمریکا منابع و ذخایر خود را در راستای نابودی دشمنان رژیم یهود به کار می‌گیرد. آمریکا حتی، در راستای تحقق بخشیدن به منافع رژیم صهیونیستی، نظامیان جوان خود را سپر جنگ‌های این رژیم، از جمله جنگ دوم عراق، می‌کند.

به این ترتیب کاملاً مشخص است که تصمیم‌گیرندگان آمریکایی منافع مردم خود را در راستای تحقق منافع رژیم صهیونیستی، قربانی می‌کنند.

این نویسنده در ادامه می‌نویسد: در شرایطی که اسرائیل همچنان تصور می‌کند که با به کارگیری تسلیحات می‌تواند امنیت طولانی مدت خود در منطقه را تضمین کند، اما در عین حال نگران روی کار آمدن رهبران عربی است که تمایلی به حفظ اسرائیل به عنوان شریک خاموش خود در منطقه ندارند.

**\* حمایت بی‌چون و چرای آمریکا از موضع اسرائیل بی‌پایان خواهد بود**

آمریکا نیز که موقعیت امنیتی اسرائیل را در خطر می‌بیند، سعی دارد با ارسال پیام‌هایی از این قبیل، صرف‌نظر از اینکه سیاست‌های مدافعانه آمریکا از منافع اسرائیل تا چه اندازه می‌تواند ستیزه‌جویانه باشد، اسرائیل همواره می‌تواند بر حمایت و پشتیبانی بی‌پایان آمریکا از خود حساب کند، از این دیدگاه اسرائیل، که تصور می‌کند می‌تواند با اسلحه موقعیت امنیتی خود در منطقه را حفظ کند، حمایت کند.

دولت‌های خاورمیانه قاطعانه با سیاست و راهبرد آمریکا در قبال اسرائیل مخالف هستند و مادامی که روابط دوستانه این دو کشور با یکدیگر ادامه دارد، مسلمانان جهان نیز آمریکا را عامل قوای رژیم شیطان اسرائیل می‌دانند. بسیاری از مسلمانان جهان معتقدند که حمایت بی‌چون و چرای رهبران آمریکایی از اسرائیل اشتباه محض است اما در عین حال معتقدند که هنوز هم این امکان برای آمریکا وجود دارد که در راهبرد سیاسی خود تجدیدنظر کند.

**\* نگرانی آمریکا از برقراری دموکراسی در خاورمیانه**

آمریکا مدت‌ها است که با ترس از اینکه دموکراسی جهان عرب باعث ظهور دولت‌های اسلام‌گرا در منطقه می‌شود، در برقراری دموکراسی در جهان عرب مانع‌تراشی می‌کند. آمریکا در شرایطی از روی کار آمدن اسلام‌گرایان در منطقه نگران است که ظاهراً انقلاب مردم تونس و یا مصر در چنین مسیری جریان ندارد و رهبران اسلام‌گرا هم تلاشی برای جهت بخشیدن به تحولات اخیر خاورمیانه ندارند.

با این وجود، "هیلاری کلینتون" وزیر امور خارجه آمریکا در مصاحبه روز گذشته خود با شبکه خبری "ای‌بی‌سی نیوز"، برقراری دموکراسی، حقوق بشر و اصلاحات اقتصادی را به صلاح مردم مصر عنوان کرد، در حالیکه آمریکا دهه‌ها است با بهره‌گیری از دلارهای مالیات دهندگان آمریکایی و تامین بودجه و حمایت از مبارک، خواسته‌های همین مردمی که اکنون دست به تظاهرات زده‌اند، را نادیده گرفته است.

از نظر آمریکا، پذیرش اینکه جهان عرب هم حق استفاده از دموکراسی و انتخاب رهبران خود را دارد، به معنای پذیرش روی کار آمدن دولت‌هایی است که تمایلی به سهیم‌شدن در جنگ‌جویی‌های آمریکا، که به نفع اسرائیل انجام می‌شود، ندارند و این همان معمای لاینحل واشنگتن است.

**\* آمریکا باید راهبرد و سیاستی که در قبال ایران پیش گرفته است، را تغییر دهد**

کینزر در مقاله خود به طور دقیق عنوان کرده است که آمریکا نیازمند راهبردهای جدید و شرکای جدید است و همکاری آمریکا با ترکیه، که نزدیک‌ترین هم‌پیمان آمریکا در خاورمیانه است، می‌تواند شروع خوبی باشد.

آمریکا باید در مرحله دوم، راهبرد و سیاستی که در قبال ایران پیش گرفته است، را تغییر دهد و از موضع تقابل کنار بکشد و به دنبال راهی برای مصالحه و سازش باشد.

اما آنچه واضح است این است که بدون شک آمریکا توانایی گنجاندن این پیشنهادات منطقی کینزر در سیاست خارجی خود را ندارد، مگر اینکه در ابتدا خود را از چنگ لابی یهود نجات دهد.

کینزر در ادامه می‌گوید: ثابت شده است که برای سیاستمداران آزمند و حریص آمریکا آسان نیست که آزادانه خود را از چنگ لابی یهود نجات دهند و در صورتیکه سیاستمداران آمریکایی جرأت قطع رابطه با اسرائیل را پیدا کنند، راهبرد لابی‌های یهودی در آمریکا تغییر خواهد کرد.

\*آشفتگی راهبرد سیاسی آمریکا، مانعی برای تحقق منافع ملی این کشور

کینزر در پایان مقاله خود می‌نویسد: آسیب‌شناسی‌های راهبرد سیاسی آمریکا، راه را برای ارزیابی منافع ملی این کشور می‌بندد و تصورات دیپلماتیک آمریکا را فلج می‌کند، به طوریکه حتی شاید ناآرامی‌های اخیر در خاورمیانه هم برای بیداری واشنگتن از خواب محکوم به شکست آمریکا کافی نباشد.